

بررسی اثرات جمعیتی برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
بر توزیع، سلسله مراتب و اندازه جمعیت شهری ایران
(۱۳۸۳-۱۳۲۷) بر توزیع، سلسله مراتب و اندازه جمعیت شهری ایران
* حسین جوادخانی

کد مقاله: ۲۲۵

چکیده

روند رو به رشد شهرنشینی، در دهه‌های اخیر، همگام با مهاجرت‌های شدید روستا-شهری، و همزمان با سیر تحولات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و منطقه‌ای، از مهم‌ترین عوامل توسعه نامتوازن نظام شهری و شهرنشینی در ایران شده است. از سوی دیگر، توزیع شهرها، و به تبع آن تمرکز جمعیت و سلسله مراتب شهری در کشور ما، همسانی و مشابهت زیادی ندارد. آغاز این ناهمسانی از برنامه‌های عمرانی پنج ساله کشور که در سال‌های قبل از انقلاب در جهت قطبی کردن مناطق جمعیتی کشور و سیاست‌های بعد از انقلاب اجرا شده است، متأثر می‌باشد.

هدف اصلی مطالعه بررسی روند تغییرات اندازه توزیع جمعیت در سلسله مراتب شهری ایران طی چهار دهه اخیر با توجه به تاثیر جمعیتی برنامه‌های توسعه اقتصادی اجتماعی پنج ساله کشور در رشد شهری می‌باشد. برای تعیین سلسله مراتب شهری از نظریه رتبه - اندازه که توسط جورج زیپف^۱ معرفی شده استفاده می‌شود؛ تعیین جمعیت مطلوب شهری برای توسعه پایدار طبق قانون رتبه - اندازه با استفاده از پرونده (URBINDEX) در بسته نرم‌افزاری (PAS)^۲ هدف نهایی مقاله می‌باشد. نتایج اولیه نشان می‌دهد که جمعیت شهر اول تهران چند برابر شهر دوم، سوم و چهارم می‌باشد و حتی از مجموع چهار شهر اول نیز بیشتر است و تمرکز در شهرهای بزرگ‌تر نسبت به شهرهای میانه بیشتر است. توزیع سلسله مراتب بین ۱۰ شهر اول نامتوازن است؛ با برنامه‌ریزی مناسب از متغیرهای جمعیتی می‌توان به جای نقش تاثیرپذیر و انفعالی، نقش فعال و مؤثر در تاثیرگذاری بر ماهیت توسعه استفاده نمود.

واژگان کلیدی: رشد شهرنشینی، سلسله مراتب شهری، جمعیت شهری، برنامه‌ریزی توسعه، توزیع جمعیت، توسعه اقتصادی و اجتماعی.

مقدمه

دستیابی به چگونگی توزیع جمعیت در استان‌های کشور و نیز روند تغییرات آن در آینده، مستلزم بررسی عمیق و یافتن نگرش دقیق نسبت به تغییرات و تحولات آن در زمان‌های نسبتاً طولانی گذشته است. رشد جمعیت شهری تابع سه عامل است: رشد طبیعی جمعیت شهری، مهاجرت به شهرها و تعریف دوباره مناطق شهری. با توجه به مراحل شهرنشینی در یک کشور یا یک منطقه، برخی از عوامل غلبه پیدا می‌کند. علی‌رغم پیامدهای مثبت شهرنشینی، این امر مشکلات زیست محیطی متعددی به وجود می‌آورد. به طوری که در بسیاری از مواقع، مسئولین شهری در حل مشکلاتی از قبیل آلودگی آب، آلودگی هوا، آلودگی صوتی و نابودی منابع طبیعی در پیرامون مراکز شهری یا به وجود آمدن مناطق مسکونی پُر جمعیت و ناپایدار شهری (حاشیه‌نشینی) با مشکلات زیادی مواجه می‌شوند. رشد شتابان جمعیت و تمرکز فرآیند آن در مراکز شهری، مشکلات مبرمی در زندگی مردم شهرها به وجود آورده است.

بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵، بیش از دوسوم جمعیت کشور (۶۸/۴۶ درصد آن‌ها) در شهر زندگی می‌کنند. از این تعداد ۳۳۹۴۷۱۳۳ نفر (۷۰/۰ درصد) در شهرهای ۱۰۰ هزار نفر و بالاتر زندگی می‌کنند. در سال‌های اخیر تمرکز جمعیت در شهرهای بزرگ، بخصوص در شهرهای پیرامونی تهران، افزایش سریع یافته است. میزان رشد جمعیت شهرنشین کشور از رشد جمعیت کل سریع‌تر است. الگوی توسعه شهری از یک سو و توزیع نامتناسب جمعیت در پهنه جغرافیایی کشور از سوی دیگر، سبب شده است که سیمای شهری، الگوی توسعه آن و همچنین سلسله مراتب شهری، چندان مطلوب و مناسب نباشد. توزیع شهرها و به تبع آن تمرکز جمعیت در نقاط شهری کشور، همسانی و مشابهت زیادی ندارد. این امر نشانه‌ی توسعه‌ی نامتعادل است، و به همین جهت، توجه به مسایل و جمعیت شهری کشور و تدوین و اجرای برنامه‌های متناسب و دقیق در آن‌ها اهمیت بسزایی دارد.

اهداف تحقیق

- ۱- بررسی سیاست‌های برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پنج‌ساله کشور طی سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۸۳.
- ۲- تاثیر برنامه‌های پنج‌ساله کشور بر اندازه و توزیع جمعیت و سلسله مراتب شهری.
- ۳- برآورد جمعیت حدّ مطلوب از روی سلسله مراتب شهری سرشماری سال ۱۳۸۵ برای برنامه‌ریزی و توسعه پایدار آینده.

چهارچوب نظری تحقیق

از مهم‌ترین تئوری‌هایی که در مورد سلسله مراتب شهری (شاخص توزیع شهری) مطرح شده است، «قانون رتبه - اندازه» را می‌توان نام برد، که توسط زیپف عنوان شده است. نظریه زیپف حالت خاصی از توزیع پارتو^۳ را نشان می‌دهد. مطابق این قانون که به طور تجربی از مشاهدات و بررسی‌های تاریخی توزیع جمعیت شهری در کشورهای توسعه یافته به دست آمده است. چنین مشاهده شده که اگر شهرهای یک کشور بر اساس اندازه جمعیت رتبه‌بندی شوند، جمعیت هر شهر (مثلاً شهری که رتبه آن k است) تقریباً برابر با جمعیت بزرگ‌ترین شهر، تقسیم بر رتبه k می‌باشد. به منظور روشن شدن بهتر روابط بین شهرها، رتبه در فرمول به وسیله یک نما (Z) تعدیل یافته و متناسب گردیده است (زیپف، ۱۹۴۹). در این نظریه باید موضوع را از ابعاد مختلفی مورد توجه قرار داد. حجم جمعیت، نسبت شهرنشینی و حد نهایی آن، تعداد شهرها، سطح قابل تصرفی از کل مساحت سرزمین برای سکونت، نحوه معیشت، سطح فرهنگ و آگاهی و بالاخره فرهنگ شهرنشینی را از موارد تعیین‌کننده‌ای می‌کند که بدون شناخت دقیق آن‌ها نمی‌توان به تعیین جمعیت شهری و حد مطلوب جمعیت شهرهای کشور پرداخت (زنجانی، ۱۳۷۴-۱۳۷۱ و جوادخانی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۸).

اگر چه هیچ کشوری به طور کامل این چنین مسأله‌ای را در سلسله مراتب شهری خویش به نمایش نگذاشته است، اما تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که شهرهای کشورهای توسعه یافته بیشتر به خط نرمال این قانون نزدیک است.

ادبیات موضوع

اولین تجزیه و تحلیل جغرافیایی توزیع اندازه شهرها در نظام شهری به اوایل قرن بیستم بر می‌گردد. فلیکس اورباخ^۴ جغرافی‌دان آلمانی در سال ۱۹۱۳ قانون مرتبه اندازه شهری را ارائه داد که در آن بین اندازه‌ی شهرها و رتبه‌ی آن‌ها رابطه‌ی معکوس وجود دارد (کارتر، ۱۹۸۱، ص ۷۰).

این قانون بعدها توسط کسانی همچون لوتکا^۵ (۱۹۲۴)، گودریچ^۶ (۱۹۲۶) و سینگر^۷ (۱۹۳۶) مورد استفاده قرار گرفت. بالاخره در سال ۱۹۴۹ این نوع بررسی در شهرها توسط جورج زیپف به صورت کامل فرمول‌بندی و مورد عمل و بررسی واقع شد (حکمت‌نیا و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۱۹۱).

کاربرد این قانون در مورد ایران توسط فیروز جمالی در سال ۱۹۸۵ در رساله‌ی دکترا تحت عنوان «مهاجرت داخل استانی ایران در آذربایجان شرقی» و در سال ۱۹۸۸ توسط کریم حسین‌زاده دلیر در رساله دکترا با موضوع «برنامه‌ریزی شهری در ایران» استفاده شده است. حبیب‌الله زنجانی در سال ۱۳۷۱ در مقاله «جمعیت و اندازه مطلوب آن در شهر سالم» به محاسبه جمعیت مطلوب با قانون رتبه - اندازه پرداخته است. فریبرز رئیس‌دانا در سال ۱۳۷۴ در مقاله «جمعیت‌پذیری و توزیع رتبه‌ای چهل شهر اصلی ایران: ۱۳۷۰-۱۳۳۵» از قانون زیپف و الگوی پارتو برای رتبه‌بندی شهرهای ایران استفاده کرده است.

در سال ۱۳۷۶ نیز مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری دفتر برنامه‌ریزی وزارت کشور در کتاب «سلسله مراتب شهری، مبانی نظری - نظام شهری» این قانون را برای تحلیل نظام شهری ایران از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ بررسی کرده است. نتایج مطالعات فوق بر ناهمسانی سلسله مراتب شهری کشور تاکید دارد.

روش‌شناسی

روش‌های مختلفی برای اندازه‌گیری شهرنشینی وجود دارد که در این مقاله از پرونده (Urindex) از نرم‌افزار (PAS) که توسط «سازمان ملل» و «اداره‌ی سرشماری ایالات متحده» تهیه شده است، استفاده می‌شود.^۸

بررسی سیاست‌های برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران (۱۳۷۸-۱۳۲۷) با تاکید بر بخش**عمران شهری**

برنامه‌های عمرانی توسعه اقتصادی - اجتماعی، سندی برای تنظیم سیاست‌های توسعه کشور است. این سند به عنوان ابزاری برای ترسیم افق‌های حرکت آتی سرزمین از یک سو و تنظیم روابط بین بخش‌های مختلف اقتصادی از سوی دیگر به کار گرفته می‌شود. یکی از عوامل موفقیت برنامه، وجود شناختی جامع و دقیق از ویژگی‌های هر بخش، الزامات، ارکان و عناصر اصلی آن است تا با شناخت بهترین و مناسب‌ترین ترکیب از عناصر و الزامات بخش، در جهت اهداف عام آن حرکت کند. بخش عمران شهری از بخش‌هایی محسوب می‌شود که در این چهارچوب به سبب ویژگی‌های خود توجهی انحصاری را می‌طلبد؛ زیرا عرصه‌ای را موضوع کار خود قرار می‌دهد که عملاً تنظیم تحولات کالبدی شهر و توسعه آن با برنامه سایر بخش‌ها را باید بر عهده گیرد، در حالی که جایگاه بخش عمران شهری در ساختار برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی چنین زمینه‌ای را فراهم نمی‌آورد. بخش دیگر که شامل برنامه‌های بخشی مثل آب، انرژی، حمل و نقل، آموزش و موارد مشابه است، و حجم زیادی از اعتبارات ملی را به خود اختصاص می‌دهند و بنا به ماهیتشان تاثیرات کالبدی چشمگیر و بدون انکاری از خود بر جای می‌نهند. با اجرای یک طرح ملی صنعتی که ضریب اشتغال‌زایی بالایی نیز دارد، چنان بر حجم اشتغال، جمعیت‌پذیری و تقاضا برای سرپناه یک شهر اثر می‌گذارد که تحولات کالبدی غیرقابل انتظاری را به دنبال می‌آورد. بخش عمران شهری بنا به وظیفه خود، می‌بایست نسبت به ساماندهی آن اقدام کند، در حالی که تصمیمات منجر به این تحولات در بخش دیگری از سرفصل‌های برنامه‌ای اتخاذ شده است (مکچی، ۱۳۸۴، ص ۴۳).

بررسی سیاست‌های بخش عمران شهری در برنامه‌های عمرانی پنج‌ساله‌ی کشور^۹، شاید درک ما را از ویژگی‌های این بخش و جایگاه آن در نظام برنامه‌ریزی و اثراتی که بر روی تعیین جمعیت شهری و روستایی می‌گذارد آگاه سازد. حال مرور کوتاهی بر سیاست‌های بخش عمران شهری برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۸۳ می‌کنیم.

الف) برنامه‌ی توسعه اقتصادی - اجتماعی قبل از انقلاب (۱۳۵۶-۱۳۲۷)

پیش‌نویس برنامه اول در تابستان ۱۳۲۵ توسط کمیسیون برنامه تهیه و در بهمن‌ماه سال ۱۳۲۷ به تصویب مجلس شورای ملی رسید (دفتر اقتصاد کلان، ۱۳۷۷، صص ۶-۵). بدین ترتیب اولین برنامه کشور (۱۳۲۷-۱۳۳۴) فراهم شد. سیاست اصلی در این برنامه قطبی‌کردن فعالیت‌های اقتصادی و تشکیل قطب‌های توسعه بود. در پی چنین سیاستی، هدف برنامه اول تمرکز فعالیت‌های عمرانی دولت و مؤسسات خصوصی در پایتخت (تهران) محسوب می‌شد. در این برنامه با عنوان اصلاحات اجتماعی و شهری، به موضوعات متنوع و گوناگونی از جمله امر عمرانی و نه عمران شهری، پرداخته می‌شود. سیاست قطبی‌کردن فعالیت‌ها در برنامه دوم (۱۳۳۴-۱۳۴۱) نیز پی گرفته شد و بر نقش پایتخت کماکان تاکید گردید و به دنبال اعلان سیاست دروازه‌های باز در سال ۱۳۳۶، سبب شد تا استحاله‌ای که از اواسط دوره‌ی قاجار در جامعه شروع شده بود، چهره‌ی قطعی و جدید خود را نمایان سازد و جامعه‌ی ایران از جامعه‌ی تولیدی به جامعه‌ی مصرفی تبدیل شود. در ازای صدور نفت و درآمدهای حاصل از آن و نقش تعریف‌شده در تقسیم‌نویین جهان کار، کشور ما هرچه بیشتر به سوی مصرف‌ترغیب شد (حییی، ۱۳۷۳، ص ۸۴). همچنین آمارگیری و سرشماری نفوس و مسکن در بخش امور اجتماعی مطرح گردید. انقلاب از بالا به اصطلاح (انقلاب سفید) در سال ۱۳۴۱ عملاً به از هم پاشیدگی نظام کهن زراعی منجر شد، بی‌آن‌که جایگزینی برای آن تدارک دیده شده باشد، و سرمایه‌های صاحبان مکت و ملک به سوی صنایع مفروض سوق داده شود. در برنامه سوم اقتصادی - اجتماعی (۱۳۴۷-۱۳۴۱) ایجاد قطب‌های صنعتی علاوه بر تهران، در اصفهان، تبریز، اهواز، اراک و قزوین نیز در دستور کار قرار گرفت. شهر قزوین عملاً در حوزه نفوذ مستقیم پایتخت بود و به منظور تقسیم کار با تهران، در آن قطب صنعتی ایجاد شد. تاکید برنامه چهارم توسعه اقتصادی - اجتماعی (۱۳۴۷-۱۳۵۱) بر تقویت قطب‌های اقتصادی موجود که با بالا رفتن قیمت نفت در سال ۱۳۵۰ همراه شده بود، سبب شد تا «قطب - شهر» چهره واقعی خود را نمایان سازد. پایتخت کشور که تا پیش از این اقدام فاصله قابل توجهی با مراکز استانی نداشت، یک‌باره عنان می‌گسلد و به قطب اصلی جمعیت و فعالیت تبدیل می‌شود. در این دوره هجوم جمعیت روستایی که در بسیاری موارد نه به صورت فردی، بلکه به صورت گروهی

نیز صورت می گرفت. سوداگری بر زمین و ساختمان را رونق دوچندان می بخشید(همان، ص ۸۶).

در دوره برنامه چهارم، علاوه بر رشد سریع، نمودهایی از عدم تعادل در زیربناها، فزونی گرفتن تقاضای اشتغال بر عرصه نیروی انسانی، رقابت بین بنگاه‌های تولیدی در جذب نیروی کار ماهر و نیمه‌ماهر و همچنین تصاحب منابع و سایر نمودهای یک اقتصاد در حال رشد سریع ظاهر شد(دفتر اقتصاد کلان، ۱۳۷۷، ص ۳۵). در برنامه عمرانی چهارم، سه برنامه اصلی به قرار زیر در زمینه عمران و توسعه شهری در نظر گرفته شده بود:

۱- اصلاح اداره امور شهرداری‌ها و تجهیز آن‌ها به نحوی که بتوانند هر چه بیشتر به خود متکی شوند.

۲- ایجاد تأسیسات عمرانی در شهرها از طریق اعطای کمک‌های بلاعوض و وام به شهرداری‌ها.

۳- تهیه طرح‌های جامع شهری.

در برنامه پنجم اقتصادی - اجتماعی (۵۶-۵۲) توسعه جمعیت شهری، پیدایش مراکز پیرامونی و افزایش سریع جمعیت پایتخت، موجب شدند که توسعه اقتصادی متعادل استان‌ها و توزیع عادلانه خدمات اجتماعی و رفاهی اجرا شود(معصومی/شکوری، ۱۳۷۶، ص ۲۵۱). در برنامه عمرانی پنجم کشور در بخش عمران شهری قسمت جداگانه‌ای برای تهران بزرگ در نظر گرفته شده بود و برنامه خاصی برای این شهر ارایه گردیده بود(احمدی و دیگران، ۱۳۷۶، ص ۳۷). در این برنامه مسأله‌ی زمین مورد توجه قرار گرفت و بازار زمین بهبود یافت. در برنامه ششم نیز ضمن توجه به برقراری توسعه متعادل اقتصادی و اجتماعی و فیزیکی در میان مناطق مختلف کشور، توجه به مناطق کم‌رشد نیز پیش‌بینی شده بود که به دلیل مواجه شدن با انقلاب اسلامی، به اجرا در نیامد.

ب) برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی بعد از انقلاب (۱۳۷۸-۱۳۵۷)

پس از انقلاب به دلیل شرایط خاص پدید آمده، به ویژه وقوع جنگ تحمیلی، موضوع تدوین برنامه و تصویب آن دچار وقفه‌ای ده‌ساله شد. برنامه‌های عمرانی هر سال با تصویب بودجه سالانه به اجرا گذاشته می‌شد، اما این امر به معنای فقدان نگاه جامع

و کلان‌نگر به برنامه‌های بخشی نبود، زیرا برنامه غیرمصوب (۱۳۶۲-۱۳۶۸) و تجربیات گذشته، خطوط کلی تنظیم برنامه‌های سالانه بخشی را تعیین می‌کرد و این روند تا شروع برنامه اول توسعه جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۸ ادامه داشت.

ساختار وابسته سیاسی و اقتصادی کشور که توسط حکومت گذشته پی‌ریزی شده بود، با تفکر ایجاد قطب‌های جمعیتی و با اعمال سیاست‌های نادرست در زمینه کشاورزی، روند مهاجرت گسترده روستاییان و تخلیه روستاها، افزایش تراکم جمعیت در شهرها را به دنبال داشت. در برنامه اول (۱۳۷۲-۱۳۶۸) توسعه اقتصادی - اجتماعی دولت جمهوری اسلامی ایران در بخش عمران شهری اقدامات لازم در جهت حل معضلات پیچیده و وسیع جامعه شهری به صورت زیر ارایه شده است:

یک نظام سلسله مراتب شهری در کشور ایجاد خواهد شد که در آن سرعت توسعه شهرهای متوسط و کوچک بیشتر از سرعت رشد و توسعه شهرهای بزرگ باشد تا بدین ترتیب توسعه موزون مراکز جمعیت تحقق یابد. در عین حال، عمران روستایی نیز به لحاظ جلوگیری از رشد بی‌رویه در توسعه شهرها و مناطق صنعتی به تدریج در خارج از حوزه نفوذ تهران و شهرهای بزرگ شکل خواهد گرفت. برخی از اهداف کلی برنامه اول در بخش عمران شهری عبارتند از:

- ۱- ایجاد تعادل در توزیع جمعیت کشور،
- ۲- تمرکززدایی از تهران و جلوگیری از رشد شهرهای بزرگ،
- ۳- تامین توسعه موزون و مناسب مراکز جمعیتی با اولویت در بازسازی و نوسازی مناطق خسارت دیده از جنگ.

در برنامه دوم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۸-۱۳۷۳) به سیاست‌های جمعیتی توجه شده است که آن نیز به دلیل رشد سرسام‌آور جمعیت در دهه ۶۰ بود. خط‌مشی‌های اساسی کنترل جمعیت در برنامه دوم در قالب برنامه‌های چهارگانه کنترل‌های مستقیم (کاهش باروری)، افزایش سطح آگاهی عمومی، افزایش سطح مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی و بررسی‌های مداوم ساختار جمعیتی ارایه شده است. در برنامه دوم توسعه بخش عمران شهری نیز سیاست تمرکززدایی از شهر تهران و شهرهای بزرگ (بالای ۵۰۰ هزار نفر) از طریق انتقال فعالیت‌ها به شهرهای متوسط در ویرایش دوم

خط مشی‌های برنامه دوم حذف گردید. تهیه طرح‌های جامع، هادی و تفصیلی در سطوح ملی و تصویب آن در چارچوب ضوابط شورای عالی شهرسازی و معماری و همچنین بهبود ترافیک حمل و نقل درون شهری و بهبود شرایط زیست محیطی شهرها از طریق اصلاح سیستم‌ها و وسایل حمل و نقل و انتقال یا حذف منابع آلوده‌کننده شهرها از برنامه‌های توسعه دوم کشور بود (برنامه و بودجه، ۱۳۷۲، صص ۷۴-۷۵). سیاست کمک به توزیع متعادل جمعیت شهری و روستایی، توسعه موزون و متناسب شهرها، برقراری نظام سلسله مراتب شهری و جلوگیری از رشد نامتناسب شهرهای بزرگ، به ویژه تهران، با تدوین ضوابط و مقررات بازدارنده و تشویق و تهیه انواع طرح‌های توسعه کالبدی در سیاست خط مشی مورد بحث، در شورای برنامه دوم مطرح شد و مورد تصویب قرار نگرفت (همان، ۱۳۷۲، ص ۷۷).

در برنامه سوم بخش عمران شهری در سیاست‌های استراتژیک به ایجاد انسجام و هماهنگی مدیریت شهری و محلی، ارتقای بهره‌وری و تسهیلات شهری، ارتقای آگاهی‌های عمومی، دستیابی به حمل و نقل مناسب و ایمن، ایمن‌سازی شهرها و هدایت کنترل توسعه شهرها و حمایت از شهرهای کوچک و متوسط با تاکید بر جلوگیری از توسعه کلان شهرها (خصوصاً تهران) و استفاده بهینه از اراضی شهری تصویب شده است. اما در سیاست‌های اجرایی فقط به تجدید نظر در تعاریف محدوده‌ها و حریم شهرها جهت جلوگیری از استقرار فعالیت‌های جاذب جمعیت و جلوگیری از ایجاد عدم تعادل جمعیتی - سکونت‌ی پیرامون شهرهای بزرگ مورد تصویب قرار گرفته است (برنامه و بودجه، ۱۳۷۸، صص ۲۷۷-۲۸۸).

روند شهرنشینی در ایران با توجه به برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

روند شهرنشینی در ایران را می‌توان به دو مرحله تقسیم نمود: مرحله اول مربوط به شهرنشینی بطئی یا مرحله‌گذر به سرمایه‌داری از سال ۱۳۰۰ تا سال ۱۳۴۰ و مرحله دوم، مرحله‌نشینی شتابان از سال ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۵۵ که شرح این دو مرحله به صورت ذیل می‌باشد:

مرحله اول: شهرنشینی بطنی یا مرحله گذر به سرمایه‌داری

شهرنشینی در حقیقت از حدود سال ۱۳۰۰ شمسی آغاز می‌شود. اجبار به تمرکز سیاسی و اقتصادی که از اوایل قرن حاضر شمسی در ایران به وجود آمد، با روی کار آمدن حکومت رضاخان و ایجاد کارخانه‌های جدید، احداث راه آهن، ایجاد صنعت نفت و ...، به شهرنشینی رونق داد و چهره‌ی آن را دگرگون کرد (احمدی و دیگران، ۱۳۷۶، ص ۳۰). از سوی دیگر، با تبدیل زمین به کالای قابل معامله باعث تسهیل توسعه روابط سرمایه‌داری و نهایتاً نابودی شیوه‌های تولید ماقبل سرمایه‌داری شد. این گذار به سرمایه‌داری در ایران یک گذار کلاسیک مشابه کشورهای اروپایی نبود. به طور کلی، از مهم‌ترین ویژگی‌های بسط روابط سرمایه‌داری در ایران آن است که این امر تحت لوای «مدرنیزاسیون» (تجددگرایی) صورت گرفته است.

با این همه، رشد جمعیت شهری در ابتدا شتابان نبود به طوری که در سال ۱۳۰۰ جمعیت کل کشور ۹۷۰۷۰۰۰ نفر بود و از آن تعداد ۲۷۶۸۰۰۰ نفر (۲۸ درصد) را جمعیت شهری و ۶۹۸۹۰۰۰ نفر (۷۲ درصد) را جمعیت روستایی تشکیل می‌داد. روند شهرنشینی در این دوره به صورت بطنی بود، به طوری که در سال ۱۳۲۰ از مجموع ۱۲۸۳۳۰۰۰ نفر جمعیت کل کشور، حدود ۳۷۷۳۰۰۰ نفر شهری و ۹۰۶۰۰۰۰ نفر روستایی بودند. نسبت شهرنشینی در این سال ۲۹/۴ درصد بوده که نسبت به سال ۱۳۰۰ حدود ۱/۴ درصد رشد داشته است. در سال ۱۳۳۰ از مجموع ۱۶۲۳۷۰۰۰ نفر جمعیت کل کشور ۴۹۳۶۰۰۰ نفر شهرنشین و ۱۱۱۰۳۰۰۰ نفر روستانشین بودند. میزان شهرنشینی در این سال ۳۰/۴ درصد بود که نسبت به سال ۱۳۲۰ یک درصد رشد داشته است (احمدی و دیگران، ۱۳۷۶، ص ۳۰).

مرحله دوم: شهرنشینی شتابان ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۵

در این مرحله که دوره‌ی بسط سرمایه‌داری در کشور نیز می‌شود، روند مهاجرتی که از دهه ۱۳۳۰ در ایران شروع شده بود، پس از اصلاحات ارضی ابعاد گسترده‌ای پیدا کرد. رونق شهرنشینی و فروپاشی روابط سنتی تولید در روستا بر اثر اصلاحات ارضی، دو عامل تعیین‌کننده فرآیند شهرنشینی در این دوره به حساب می‌آید (حسامیان و دیگران، ۱۳۵۳، ص ۷۶). به طور کلی، برنامه‌های دولت در دوران پس از اصلاحات ارضی شامل صنعت،

زیرساخت‌های اقتصادی و اشتغال می‌شود. در زمینه صنعت، هدف برنامه سوم عمرانی (۱۳۴۶-۱۳۴۱) تشویق بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری‌های صنعتی و سرمایه‌گذاری دولتی در صنایعی است که بخش خصوصی تمایلی به آن‌ها نشان نمی‌دهد. در برنامه عمرانی چهارم (۱۳۵۱-۱۳۴۶) دولت خود در ایجاد صنایع سنگین (ذوب آهن اصفهان، ماشین‌سازی اراک و تبریز و غیره) پیش‌قدم شد و با اتخاذ سیاست جایگزینی واردات و ایجاد صنایع، جایگزینی خاص در زمینه کالاهای مصرفی ابعاد گسترده‌ای به خود گرفت. به منظور رفع حل مشکل بیکاری در شهرها، ایجاد اشتغال از طریق بخش ساختمان از این دوره جزو اهداف دولت قرار گرفت. در برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۱ تا ۱۳۵۶) با تجدید نظری که در اثر افزایش قیمت نفت در بازار جهانی در آن صورت گرفت، به تحولات انجام‌شده در برنامه‌های قبلی ابعاد نجومی داده شد و سیاست‌های قبلی با ابعاد گسترده‌تری دنبال گردید. طی سه دهه، ترکیب جمعیت در بخش اشتغال دچار تحول اساسی شد، اشتغال نیروی کار در بخش‌های صنعت و خدمات افزایش یافت و نسبت اشتغال در بخش کشاورزی رو به کاهش گذاشت. دینامیسم اقتصادی، از حیث مازاد اقتصادی قابل سرمایه‌گذاری، هر چه بیشتر به صدور نفت و منابع ارزی حاصل از آن وابسته شد، درآمدهای حاصل از آن به منبع اصلی سرمایه‌گذاری در امور زیرساختی از جمله صنعت و خدمات بدل شد و بخش کشاورزی با رشد کم خود بیش از پیش به یک بخش حاشیه‌ای در کل اقتصاد بدل شد و اولویت توسعه به سایر بخش‌های اقتصادی داده شد.

نقش شهرهای جدید در سلسله مراتب شهری

سابقه احداث شهرهای جدید به سبک و مفهوم امروزی در کشور به چند دوره مشخص و متمایز، به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- دوره اول، در فاصله دو جنگ جهانی مجموعه مسکونی این دوره شامل:
 - الف) شهرهای سیاسی و نظامی مثل زاهدان و نوشهر بود،
 - ب) شهرهای اقتصادی مثل نوشهر در شمال و شهرهای نفتی در جنوب،
 - ج) کوی‌های کارمندان دولت در مجاورت شهرهای بزرگ وقت.
- ۲- دوره دوم، پس از جنگ جهانی دوم تا اواسط ۱۳۴۰ که عمده‌ترین شهرهای ساخته‌شده نفت شهرها و کوی‌های کارمندان بود، مثل شهرهای آبادان و ماهشهر.

۳- دوره‌ی سوم، از نیمه دوم دهه ۱۳۴۰ تا پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷: در این دوره احداث نوسهرهای صنعتی مستقل و شهرک‌های اقماری - صنعتی پیرامون شهرهای بزرگ رونق گرفت. شهرهایی مانند کرج و شهرک‌های اطراف در ارتباط با تهران - شاهین‌شهر در ارتباط با اصفهان (زیاری، ۱۳۷۹، ص ۹۳).

۴- دوره‌ی چهارم، سال‌های پس از انقلاب، تجدید نظر در الگوی توسعه از یک‌سو و بروز جنگ تحمیلی از سوی دیگر، کار احداث شهرهای جدید را تعطیل کرد. از سال ۱۳۶۴ طرح ایجاد شهرهای جدید دوباره مطرح شد و در سال ۱۳۷۱ آیین‌نامه ایجاد و احداث شهرهای جدید^{۱۰} به تصویب هیأت وزیران رسید (دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۹، ص ۸۳). در این دوره ۲۸ شهر جدید مصوب و غیرمصوب در برنامه کار شرکت عمران منظور شده و قرار بود در اطراف مادرشهرها مکان‌یابی شوند. کمترین فاصله شهرهای مصوب با مادرشهر خود ۱۵ کیلومتر به بهارستان مربوط است و بیشترین فاصله ۷۰ کیلومتر به مجلسی و اشتهارد ارتباط دارد. ۱۴ شهر جدید در حوزه ۴ مادرشهر با بیش از یک میلیون نفر جمعیت (تهران، اصفهان، مشهد و تبریز) و دو شهر جدید در حوزه ۳ مادرشهر بین ۵۰۰ هزار تا ۱ میلیون نفر جمعیت (شیراز، اهواز و کرمانشاه) جای دارند. برای بقیه شهرها که زیر ۵۰۰ هزار نفر هستند مانند شهر زابل و چاه‌بهار با ۹۱ هزار و ۳۰ هزار نفر جمعیت دو شهر جدید رامشار و طیس پیش‌بینی شده است.

روند شاخص‌ها و توزیع جمعیت شهری (۱۰۰ هزار نفر و بیشتر)

برای محاسبه شاخص‌های مورد نظر در این بخش، از پرونده (Urbindex) از نرم‌افزار (PAS) استفاده شده است و اطلاعات لازم برای شهرهای ۱۰۰ هزار نفری و بیشتر در سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ محاسبه گردیده است. پس از مرتب‌کردن جمعیت شهری کشور از بزرگ به کوچک، شاخص‌های محاسبه‌شده به شرح زیر می‌باشد (خلاصه‌ی شاخص‌های محاسبه‌شده در جدول شماره ۱ نشان داده شده است):

۱- جمعیت کل

جمعیت کل کشور در سال ۱۳۵۵ برابر ۳۳۷۰۸۷۴۴ و در سال ۱۳۸۵ برابر ۷۰۴۷۲۸۴۶ نفر و میزان رشد جمعیت در سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۵۵، ۱۳۷۵-۱۳۶۵ و ۱۳۸۵-۱۳۷۵ به

ترتیب برابر ۳/۸۳، ۱/۹۴ و ۱/۶ درصد می‌باشد. در این سال‌ها رشد جمعیت کشور روند کاهشی داشته است. رشد بسیار بالای جمعیت در دهه ۶۰ موجب شده بود که جمعیت ایران در طول ۲۳ سال دو برابر گردد.

۲- جمعیت شهری و روستایی^{۱۱}

جمعیت شهری در سال ۱۳۵۵ برابر ۱۵۸۵۴۶۸۰ نفر و جمعیت روستایی برابر ۱۷۸۵۴۰۶۴ نفر، میزان شهرنشینی ۴۷/۰۳ درصد و نسبت جمعیت شهر به روستا ۰/۰۸۹ می‌باشد. این شاخص در سال ۱۳۸۵ برای جمعیت شهری ۴۸۲۴۵۰۷۵ نفر، برای جمعیت روستایی ۲۲۲۲۷۷۷۱ نفر، درصد شهرنشینی ۶۸/۴۶ و نسبت جمعیت شهر به روستا ۲/۱۷ درصد می‌باشد. با توجه به جدول شماره ۱، روند شهرنشینی با سرعت بیشتری در حال افزایش بود اما روند روستانشینی رشد چندانی نداشته است؛ به طوری که حتی جمعیت روستانشین کشور در سال ۱۳۷۵ نزدیک به یک میلیون نفر کاهش داشته است.^{۱۲}

بیشترین درصد رشد شهرنشینی در مرحله اول به عواملی مانند مهاجرت‌های داخل استانی و بین استانی (مهاجرت‌های روستا - شهری) و در مرحله بعد به طبقه‌بندی مجدد شهر (تعریف شهر^{۱۳}) بستگی دارد که نتیجه آن تبدیل نقاط روستایی به مناطق شهری و ادغام بعضی از روستاها و شهرهای کوچک با شهرهای بزرگ و متوسط می‌باشد.

۳- جمعیت شهری و غیرشهری

منظور از جمعیت شهری در این تحقیق، جمعیت شهرهای بالای ۱۰۰ هزار نفر است و جمعیت غیرشهری، جمعیت نقاط شهری کمتر از ۱۰۰ هزار نفر و جمعیت روستایی می‌باشد. این شاخص در سال ۱۳۵۵ برای جمعیت شهری ۹۹۵۵۶۵۵ و برای جمعیت غیرشهری ۲۳۷۵۳۰۸۹ نفر بود. جمعیت غیرشهری در این سال ۲/۳ برابر جمعیت شهری بوده است در حالی که با روند افزایش جمعیت شهری، فاصله‌ی بین این دو نزدیک به یک می‌شود؛ به طوری که ارزش شاخص‌ها در سال ۱۳۸۵، برای جمعیت شهری ۳۳۹۴۷۱۳۳ و برای جمعیت غیرشهری ۳۶۵۲۵۷۱۳ نفر بود که تفاوت آن دو به ۱/۰۷ رسید. به عبارتی، جمعیت این دو شاخص با هم برابر شده و پیش‌بینی می‌شود که با روند رشد شهرهای

بزرگ و میانه، جمعیت شهری بر جمعیت غیرشهری پیشی بگیرد و تفاوت آن‌ها به زیر یک برسد.

۴- شاخص اولویت^{۱۴}

شاخص اولویت دیویس (۱۹۶۲) که بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد، جمعیت بزرگ‌ترین شهر (مثلاً تهران) را به جمعیت ترکیبی دومین، سومین و چهارمین شهر بزرگ ربط می‌دهد. این شاخص وقتی که از قانون اندازه - رتبه پیروی کند، در این صورت نسبت بزرگ‌ترین شهر به شهر بزرگ بعدی بایستی نزدیک به ۱ باشد (مظفری، ۱۳۷۸، ص ۳۲۴). بدین خاطر دومین، سومین و چهارمین شهر بزرگ به اندازه‌ی یک دوم، یک سوم و یک چهارم جمعیت شهر اول خواهد بود.

مجموع این کسرها حاصل جمعی را به دست می‌دهد که اندکی از جمعیت کل بزرگ‌ترین شهر بیشتر می‌باشد. ارزش‌های این شاخص هر اندازه زیاد باشد، همان‌قدر نیز جمعیت در بزرگترین شهر (تهران) متمرکز خواهد شد (آریاگا، ۱۹۹۴).

شاخص‌های اولویت برای ۴ شهر اول و ۱۱ شهر اول با پرونده (Urbindex) محاسبه می‌شود. ارزش این شاخص‌ها در بیشترین حد خود در سرشماری ۱۳۵۵ مشاهده شده که برای ۴ شهر اول ۲/۳۵۱ و برای ۱۱ شهر اول ۲/۳۳۹ می‌باشد. این شاخص‌ها در سال ۱۳۸۵ به ترتیب ۱/۴۳۷ و ۱/۲۹۵ درصد بود که کاهش تمرکز جمعیت در بزرگ‌ترین شهر (تهران) را نشان می‌دهد.

۵- تعداد شهرها^{۱۵}

تعداد شهرهای بالای ۱۰۰ هزار نفر و بیشتر در سال ۱۳۵۵، به ۲۳ و در سال ۱۳۸۵ به ۸۰ شهر رسیده است که طی ۳۰ سال تقریباً به طور متوسط هر سال، ۲/۷ شهر ۱۰۰ هزار نفری و بیشتر بر این گروه اضافه گردیده است. در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ تعداد آن‌ها ۴۱ و ۵۹ شهر بوده است. افزایش تعداد شهرها بیشتر در استان تهران می‌باشد که از ۶ شهر در سال ۱۳۷۵ به ۱۰ شهر در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. اغلب شهرها با رشد جمعیت حداقل ۱/۵ و حداکثر ۱۵/۴ درصد افزایش یافته است و بر افزایش متوسط اندازه جمعیت شهری کشور و منطقه تاثیر گذاشته است.

۶- نسبت تراکم شهری^{۱۶}

این شاخص آریاگا (۱۹۹۷) که بر اساس عوامل توزیع جغرافیایی به وجود آمده، به جای مناطق، از شهرها استفاده می‌کند و در محاسبات آن به درصدها یا سرجمع جمعیت‌های شهری نیاز نیست. هر اندازه ارزش این نسبت زیاد باشد، به همان اندازه تراکم جمعیت در شهرهای بزرگ بیشتر خواهد بود. این شاخص، شاخص مشابهی برای نسبت تراکم (Gini) می‌باشد که در تحلیل توزیع جمعیت شهری می‌توان از آن استفاده کرد (آریاگا، ۱۹۹۸، ۱۹۶۳).

برای پیشگیری از خطای اندازه‌گیری محاسبه این شاخص، تمام شهرها باید به یک اندازه معین انتخاب شوند، مثلاً شهرهای ۱۰۰ هزار نفر و بیشتر که شاخص تراکم جمعیت شهری را در هر کشور یا منطقه میان شهرهای ۱۰۰ هزار نفر و بیشتر منعکس می‌کنند (جوادی‌خانی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۶).

این شاخص در سال ۱۳۶۵ بیشتر از سال ۱۳۵۵ و در سال ۱۳۷۵ نسبت به سال ۱۳۶۵ کاهش یافته و در این سال به ۰/۵۸۲ رسیده است، اما در سال ۱۳۸۵ با ارزش ۰/۵۹۷، تراکم بیشتری را نسبت به سال‌های قبل نشان می‌دهد.

۷- شاخص متوسط اندازه جمعیت شهری^{۱۷}

این شاخص اندازه (تعداد) جمعیت را در نظر می‌گیرد (آریاگا، ۱۹۷۳). در کشور یا منطقه‌ای که در آن درصد شهرنشینی برابر، اما اندازه شهرها متفاوت است، استفاده از این شاخص توصیه می‌شود (جوادی‌خانی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۸). مفهوم زیربنایی شاخص متوسط اندازه جمعیت شهری و محاسبه آن، درست مانند سن متوسط است. ثابت شده است که اگر در محاسبه به جای همه شهرها، تنها شهرهایی که بیشتر از یک اندازه معین جمعیت دارند در نظر گرفته شود، این شاخص زیاد تحت تاثیر قرار نمی‌گیرد (آریاگا، ۱۹۷۳). با توجه به ارزش‌های این شاخص، متوسط اندازه جمعیت شهری از ۶۶۹۱۸۶ نفر در سال ۱۳۵۵ به ۱۱۵۸۹۵۸ نفر در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته و به طور متوسط سالانه ۱۶۳۱۱ نفر به جمعیت شهری اضافه شده و رشد سالانه ۳۰ سال برابر ۹/۵ درصد بوده است که تقریباً ۴ برابر رشد جمعیت

کشور می‌باشد. افزایش متوسط جمعیت در بین سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۵۵ با رشد ۷/۴ درصد در سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۵ و ۱۳۷۵-۱۳۸۵ به ترتیب ۱/۰۱ و ۱/۷ درصد رشد داشته است.

۸- شاخص تجمع شهری^{۱۸}

این شاخص آریاگا (۱۹۷۳) درصدی از جمعیت کل می‌باشد که از نظر تنویریکی اندازه متوسط محل اقامت جمعیت یک کشور را نمایش می‌دهد (به شاخص متوسط اندازه جمعیت شهری مراجعه کنید). هر اندازه ارزش شاخص بالا باشد، همان قدر تجمع جمعیت در شهرهای بزرگ بیشتر است (امین مظفری، ۱۳۸۱، ص ۳۳۲).

این شاخص در سال ۱۳۵۵ در بیشترین حد خود یعنی ۰/۰۲۰ بوده و در سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ از ارزش این شاخص کمی کاسته شده است. این امر نشان می‌دهد که افراد برای اقامت خود شهرهای بزرگ دیگر و شهرهای متوسط را ترجیح می‌دهند، لذا در این مدت از تمرکز جمعیت در شهرهای بزرگ، بخصوص تهران کاسته شده است.

جدول شماره (۱): شاخص‌های برآوردی از جمعیت شهری (۱۰۰ هزار نفر و بیشتر)

۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	شاخص
۳۳۷۰۸۷۴۴	۴۹۴۴۰۱۰	۶۰۰۵۴۸۱	۷۰۴۷۳۴۶	جمعیت کل
۱۵۸۵۴۶۸۰	۳۸۴۴۵۶۱	۳۸۱۷۷۸۹	۴۸۴۵۰۷۵	جمعیت شهری
۱۱۸۵۴۰۶۴	۲۲۶۰۰۴۴۹	۲۳۳۷۶۹۹	۲۲۲۳۷۷۱	جمعیت روستایی
۴۷/۰۳	۵۴/۲۹	۶۱/۳۱	۶۸/۴۶	درصد شهرنشینی
۰/۸۹	۱/۱۹	۱/۵۸	۲/۱۷	نسبت شهر و روستا
۹۹۵۵۶۵۵	۱۷۹۷۸۴۵۳	۲۵۲۸۰۰۴۳	۳۳۹۴۷۱۳۳	جمعیت شهری (۱۰۰ هزار نفر و بیشتر)
۳۳۷۵۳۰۸۹	۳۱۴۶۶۵۵۷	۳۴۷۷۵۴۵۵	۳۶۵۲۵۷۱۳	جمعیت غیرشهری
۲۳	۴۱	۵۹	۸۰	تعداد شهر
۲/۳۵۱	۱/۷۶۶	۱/۵۵۶	۱/۴۳۷	شاخص اولویت ۴ شهر اول
۲/۳۳۹	۱/۷۷۰	۱/۳۶۷	۱/۲۹۵	شاخص اولویت ۱۱ شهر اول
۱/۲۹۵	۱/۱۴۴	۱/۰۵۹	۱/۰۱۲	شاخص توزیع شهری
۰/۵۹۷	۰/۵۸۹	۰/۵۸۲	۰/۵۷۹	نسبت تراکم شهری
۲۱۹۱۸۶	۸۷۹۲۷۲	۹۷۳۲۱۳	۱۱۵۸۹۵۸	شاخص متوسط اندازه جمعیت شهر
۰/۰۲۰	۰/۰۱۸	۰/۰۱۶	۰/۰۱۶	شاخص تجمع شهری

منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۸۵

توزیع شهرنشینی و سلسله مراتب شهری

در مرحله‌ی رشد شهرنشینی شتابان از سال ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۵۵ که مرحله‌ی بسط سرمایه‌داری در کشور بوده است، جریان مهاجرت از نقاط روستایی به مناطق شهری ابعاد گسترده‌تری یافت. مهاجرت یکی از راه‌های اصلی افزایش جمعیت شهری است.

در سال ۱۳۳۵ تعداد شهرهای کشور ۲۰۰ شهر، در سال ۱۳۴۵، ۲۵۳ شهر و در سال ۱۳۵۵، ۳۷۳ شهر بوده است. از ۳۷۳ شهر موجود در سال ۱۳۵۵ تعداد شهرهای زیر ۱۰۰ هزار نفری ۳۵۰ شهر بوده است و در سال ۱۳۶۵ تعداد شهرها به ۴۸۵ شهر افزایش یافته و در این دوره عامل رشد طبیعی جمعیت نیز مؤثر بوده است. در سال ۱۳۷۵ تعداد شهرها به ۶۱۲ شهر رسید، یعنی تعداد شهر تقریباً $2/26$ درصد نسبت به سال ۶۵ افزایش داشت. تعداد شهرها در سال ۱۳۸۵ به ۱۰۱۲ افزایش یافته است که نسبت به سال ۱۳۷۵، $4/65$ درصد افزایش داشت. شهرهای پیرامون تهران مانند کرج، ملارد، اسلامشهر، قدس و قرچک با مهاجرت پذیری زیاد، در سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵ از شهرهای پُرتراکم استان تهران شد. رشد سریع این شهرها در اطراف و خود تهران مشکلات مسکن، ترافیک و محیط زیست و آلودگی هوا و... را به وجود آورده است، که نتیجه و دستاورد رشد شهرنشینی سریع است.

پدیده‌ی شهرنشینی سریع ناشی از برنامه‌های عمرانی بود، و رشد جمعیت (رشد طبیعی و مهاجرت) را در پی داشت. تاثیری که شهرنشینی بر سازمان فضایی و کالبدی شهرهای کوچک گذاشته این است که فضای آنها حال و هوای شهری پیدا کرده است ولی سازمان اجتماعی و فرهنگی آنها که رنگ و بوی روستایی دارد کاملاً مشهود است. این پدیده در شهرهای کوچک و میانه (با ۵۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ نفر جمعیت) نمود عینی دارد.

این کانون‌های زیستی چه با جمعیت زیاد و چه با جمعیت کم در رابطه با سلسله مراتب فضایی شهری و روستایی کشور نقش بامعنا پیدا کرده است. برای نمونه می‌توان شهرهای کرج بزرگ، اسلامشهر، نسیم‌شهر، گلستان (تهران) را نام برد که عملاً این امر به عدم توازن در سلسله مراتب نقاط زیستی و شهری کشور انجامیده است. نبود سلسله مراتب شهری و زیستی و منطقی در تقسیم کار اجتماعی بین نقاط شهری سبب شده است که نحوه‌ی خدمات‌رسانی در همه‌ی زمینه‌ها از منطبق معینی پیروی نکرده باشد و بسته به فشارهای جمعیتی که گهگاه نیز جنبه سیاسی دارد، سازمان یابد.

برنامه‌های ایجاد شهرهای جدید در اطراف شهرهای بزرگ که برای حل مشکلات این شهرها برنامه‌ریزی شده بود، از منظر سرریز اضافه جمعیت و تامین مسکن و ترافیک و... موفقیت کامل نداشته است و نتوانسته است بار زیادی از معضلات شهری را کاهش دهد.

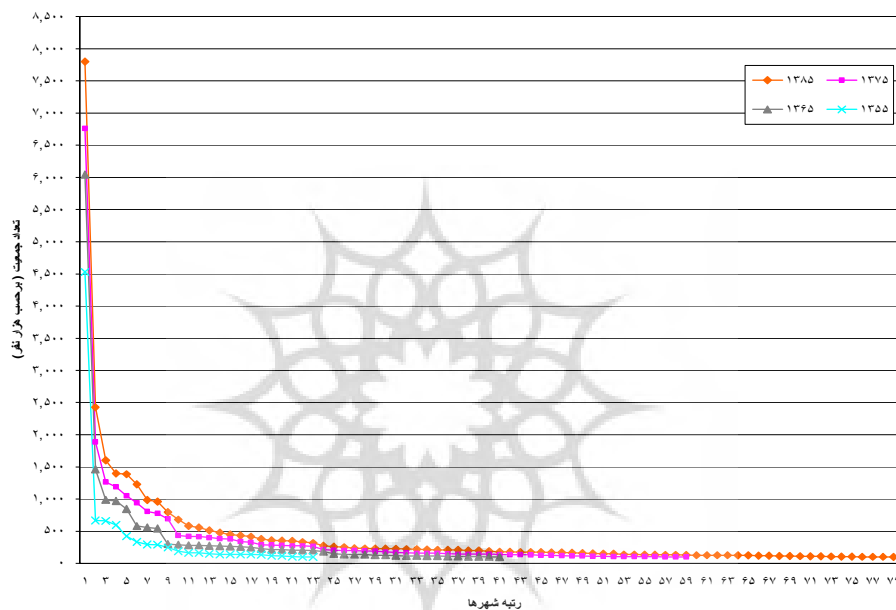
اغلب برنامه‌های توسعه قبل از انقلاب که تمرکزگرا است و پایتخت محور توسعه بوده است و بعد از انقلاب نیز هر چند سیاست‌گذاران تلاش کرده‌اند در برنامه‌های توسعه‌ی ۵ساله‌ی کشور نقش تهران را در بعضی موارد کم‌رنگ کنند، اما دیگر شهرهای استان بخصوص مراکز استانی را با معضلات زیاد گریبان‌گیر کرده است و باعث تمرکز جمعیت در شهرهای میانه شده است. این شهرها نیز بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵ به شهرهای ۱۰۰ هزار نفری و بیشتر تبدیل شده‌اند. تعداد این شهرها به ۸۰ شهر می‌رسد که مجموعاً ۴۸ درصد جمعیت کشور در این شهرها سکونت دارند. جمعیت شهرهای بالای ۱۰۰ هزار نفر در سال ۱۳۸۵ به تنهایی ۱۲۰۰۰۰۰ نفر از جمعیت روستایی بیشتر است. همچنین میزان رشد زیاد جمعیت در شهرهای کرج، زاهدان، گرگان، گلستان، قدس، ملارد، ورامین، خمینی‌شهر، شهریار، نسیم‌شهر، شاهین‌شهر و پاکدشت، حاکی از مهاجرت‌پذیری جمعیت در آن‌ها است. دو شهر زاهدان و گرگان از مراکز استان می‌باشد و سایر شهرها به استان تهران مربوط هستند.

در ایران به سبب وجود یک کلان‌شهر بزرگ و اسکان درصد زیادی از جمعیت شهرنشین در آن و همچنین به دلیل وجود چندین شهر بزرگ دیگر، شکاف عمیقی در نمودار رتبه - اندازه شهری در کشور به وجود آمده است. شهر اول چندین برابر شهر دوم، یا سوم و شهرهای بزرگ نیز چندبرابر شهرهای بعدی و کوچک‌تر هستند. نمودار شماره ۱ سلسله مراتب شهری را در چهار دهه نشان می‌دهد.

علت تفاوت را می‌توان در تغییرات صورت گرفته در نظام اقتصادی و اجتماعی کشور و بالطبع متأثر شدن شبکه شهری دانست. تهران در چهار دوره‌ی سرشماری به عنوان رتبه اول جمعیتی مطرح است بعد از آن شهرهای مشهد، اصفهان و تبریز بنابر جاذبه‌ها و امتیازاتی که در هر یک از دوره‌های مختلف داشته‌اند تغییر رده داده‌اند. کرج یکی از شهرهایی است که رشد سرسام‌آوری را طی چند دهه گذشته داشته است و به دنبال آن، شهرهای گوهردشت^{۱۹} و اسلام‌شهر که جاذبه دیگری جز نزدیکی به تهران نداشتند، از جمعیت انباشته شدند و در دهه‌های اخیر، از سال ۱۳۷۵ به بعد شهرهایی مانند قدس، ملارد، ورامین، خمینی‌شهر، شهریار، نسیم‌شهر، پاکدشت و گلستان در رده شهرهای مهاجرپذیر با رشد سرسام‌آور واقع شده‌اند. همچنین در نمودار شماره ۱ آشتگی در سلسله مراتب ۱۲

شهر اول کشور مشاهده می‌شود؛ و پس از آن، شهرها از نظم خاصی تبعیت می‌کنند. پیدایش شهرهای بالای ۱۰۰ هزار نفری برای بار اول در سال ۱۳۸۵ در استان تهران ناشی از مهاجرت شدید روستا - شهری می‌باشد.

نمودار شماره (۱): رتبه و اندازه جمعیت شهرهای ۱۰۰ هزار نفر و بیشتر طی سرشماری‌های ۱۳۵۵-۱۳۸۵



تعیین جمعیت مطلوب برای نظام سلسله مراتب شهری

تاکنون نظام سلسله مراتب شهری در ایران بر ایفای نقش و عملکرد سلسله مراتبی کانون‌ها و فضاهای شهری مبتنی نبوده است. شمار کانون‌های شهری و توزیع فضایی و اندازه جمعیت آن‌ها، از یک نظام مطلوب و سلسله مراتب شهری تبعیت نمی‌کند. توزیع جغرافیایی مراکز زیست در نظام شهری ایران نشان می‌دهد که بین شهرهای بزرگ و کوچک از نظر کمی و کیفی، عملکردی، حوزه‌های نفوذ و کارکردهای منطقه‌ای، تفاوت بسیاری وجود دارد (احمدی و دیگران، ۱۳۷۶، ص ۸۷).

در نظریه‌ی اندازه - رتبه باید موضوع را از ابعاد مختلفی مورد توجه قرار داد. حجم جمعیت، نسبت شهرنشینی و حد نهایی آن، تعداد شهرها، سطح قابل تصرفی از کل مساحت سرزمین برای سکونت، نحوه معیشت، سطح فرهنگ، آگاهی و بالاخره فرهنگ

شهرنشینی را از موارد تعیین‌کننده‌ای می‌دانند که بدون شناخت دقیق آن‌ها نمی‌توان به تعیین جمعیت شهری و حد مطلوب جمعیت شهرهای کشور پرداخت. حتی با دسترسی به این عوامل و اطلاعات نیز، تنها می‌توان حدود جمعیت شهرها را در شرایط عادی تغییر و تحول مجموعه عوامل مؤثر در توان جمعیت‌پذیری آن‌ها به دست آورد. امروزه سعی می‌کنند فقط با شناخت تعداد جمعیت شهر و تغییرات آن در طول زمان یا از طریق مقایسه جمعیت شهرهای یک منطقه با هم، حد مطلوب جمعیت آن‌ها را تعیین کنند. تصمیم‌گیری از روی نتایج چنین محاسبه‌ای مطلوب نخواهد بود مگر آن که این امر بتواند در کنار سایر مطالعات به تصمیم‌گیری منطقی‌تری بینجامد (زنجانی، ۱۳۷۱، ص ۷۶).

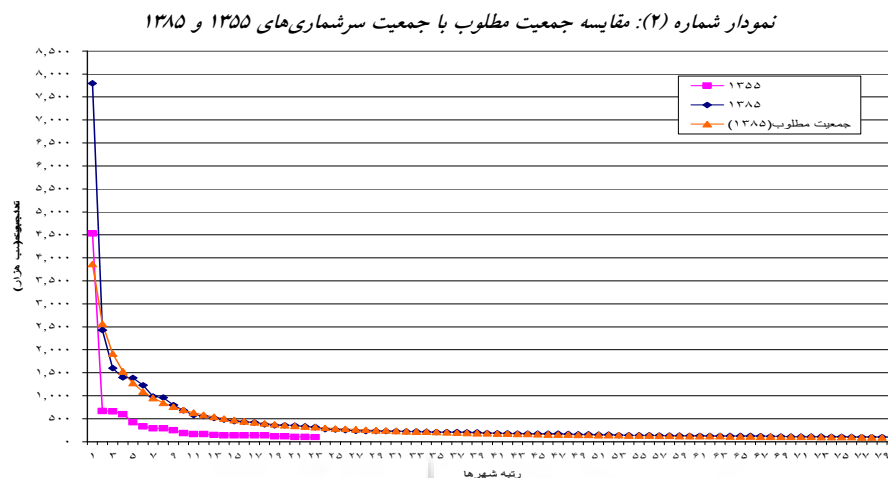
جمعیت مطلوب شهرهای کشور با استفاده از فرمول $(CK = Ci \cdot k - Z)$ و قانون رتبه - اندازه برای سال ۱۳۸۵ محاسبه شده است. در فرمول مزبور (CK) جمعیت مطلوب شهر، (K) رتبه شهر، (CI) جمعیت شهر رتبه اول و (Z) مقدار به دست آمده از رابطه سلسله مراتبی شهرها است. با استفاده از شاخص اولویت که تابع قانون رتبه و اندازه است، جمعیت مطلوب شهر تهران در سال ۱۳۸۵ به عنوان بزرگ‌ترین شهر کشور، از روی تعداد جمعیت شهرهای مرتبه ۲ و ۳ و ۴ حدود ۸۳۴۶۷۹۷ نفر به دست می‌آید. در صورتی که تمرکز جمعیت در شهر رتبه اول کشور به صورت وضع موجود (۷۷۹۷۵۲۰ نفر) قابل توجیه باشد، می‌توان جمعیت مطلوب شهرهای دیگر را در ارتباط با آن به دست آورد. چنین محاسبه‌ای برای ۸۰ شهر بیش از ۱۰۰ هزار نفری کشور در سال ۱۳۸۵ محاسبه و در جدول شماره ۲ ارایه شده است. جمعیت مطلوب شهرها در مقایسه با جمعیت سال ۱۳۸۵ شهر تهران محاسبه شده است. در نمودار شماره ۲ مقایسه جمعیت مطلوب محاسبه شده با جمعیت در سرشماری‌های سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۵۵ نشان داده شده است. در نمودار مورد اشاره اندازه جمعیت مطلوب در ۱۱ شهر اول منظم‌تر از سال ۱۳۸۵ و ۱۳۵۵ می‌باشد.

با توجه به جدول، تمام شهرها به طور سیستماتیک جمعیتی کمتر از جمعیت مطلوب دارند؛ به طوری که در سال ۱۳۶۵ از میان ۴۱ شهر، فقط جمعیت ۱۶ شهر کمتر از حد مطلوب بود. لیکن همین روش می‌تواند بخش مهمی از واقعیت‌های تعادل و یا عدم تعادل جمعیت شهرهای کشور یا شهرهای واقع در یک منطقه را نشان دهد، هر چند کشور به سلسله مراتب شهری منظم با جمعیت مطلوب و با کمترین مشکلات اجتماعی و اقتصادی

و زیست محیطی در برنامه‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، بخصوص در بخش عمران شهری و روستایی و مسکن، همراه با سیاست‌های جمعیتی نیاز دارد. هیچ‌گونه دلیلی بر پذیرش بی‌چون و چرای ارقام حاصل از این محاسبات وجود ندارد و نمی‌توان آرایش ریاضی ارقام را در این مورد به بهترین وضع ممکن تلقی کرد. چه بسا در کشوری چون ایران، وجود تعداد شهرهای بزرگ نزدیک به هم بهترین مدل آرایش فضایی جمعیت باشد و شهرهای مراکز منطقه‌ای تا آن‌جا که ملاحظات کالبدی اجازه دهد، به صورت شهرهای پُرجمعیت و با امکانات کافی وسیله ایجاد و تحقق توسعه متوازن (توسعه پایدار) کشور شود و در کنار آن‌ها شهرهای متوسط و کوچک نیز به مثابه مراکز پشتیبان تولید و توسعه به حیات و شکوفایی خود ادامه دهد (زنجانی، ۱۳۷۱، ص ۸۱).

جدول شماره (۲): رتبه شهرها و جمعیت مطلوب

رتبه	نام شهر	جمعیت سال ۱۳۸۵	جمعیت مطلوب	رتبه	نام شهر	جمعیت سال ۱۳۸۵	جمعیت مطلوب
۱	تهران	۱۷۹۷۵۲۰	۰	۴۱	خوی	۱۸۱۴۶۵	۱۸۱۷۳۷
۲	مشهد	۳۴۲۷۳۱۶	۳۸۱۶۵۰۲	۴۲	سلوه	۱۸۰۵۴۸	۱۷۷۳۴۸
۳	اصفهان	۱۶۰۲۱۱۰	۳۵۶۴۴۳۴	۴۳	پنجتود	۱۷۶۷۲۶	۱۷۳۱۷۴
۴	تبریز	۱۳۹۸۰۶۰	۱۹۱۶۵۶۱	۴۴	قائم‌شهر	۱۷۴۷۶۸	۱۷۹۱۹۰
۵	کرج	۱۳۸۶۰۳۰	۱۵۲۹۰۶۴	۴۵	قرچک	۱۷۴۰۰۶	۱۶۵۳۸۵
۶	شیراز	۱۲۲۷۳۳۱	۱۲۷۱۳۷۸	۴۶	سیرجان	۱۷۰۹۱۶	۱۶۱۷۴۶
۷	اهواز	۹۸۵۶۱۴	۱۰۸۷۶۹۷	۴۷	بندر بوشهر	۱۶۹۹۶۶	۱۵۸۳۳۳
۸	قم	۹۵۹۱۱۶	۹۵۰۱۸۰	۴۸	بیرجند	۱۶۶۱۳۸	۱۵۴۹۲۶
۹	کرمانشاه	۷۹۴۸۶۳	۸۴۳۳۸۷	۴۹	ایلام	۱۶۰۳۵۵	۱۵۱۷۲۶
۱۰	زاهدان	۶۸۱۴۶۰	۷۵۸۰۶۹	۵۰	ملایر	۱۵۶۲۸۹	۱۴۸۶۵۴
۱۱	ارومیه	۵۸۳۳۵۰	۶۸۸۳۵۰	۵۱	بیرکان	۱۵۰۷۰۳	۱۴۵۷۰۴
۱۲	رشت	۵۵۷۳۶۶	۶۳۰۳۱۵	۵۲	مراغه	۱۴۹۹۲۹	۱۴۲۸۶۸
۱۳	کرمان	۵۱۵۱۱۴	۵۸۱۲۵۹	۵۳	رفسنجان	۱۳۹۲۱۹	۱۴۰۱۴۰
۱۴	همدان	۴۷۹۶۴۰	۵۳۹۲۵۱	۵۴	زابل	۱۳۶۹۵۶	۱۳۷۵۱۳
۱۵	اراک	۴۴۶۶۶۰	۵۰۲۸۱۷۶	۵۵	نسیب‌شهر	۱۳۵۸۴۶	۱۳۴۹۸۳
۱۶	یزد	۴۳۲۱۹۴	۴۷۱۰۷۴	۵۶	مهاباد	۱۳۵۷۸۰	۱۳۳۵۴۳
۱۷	اردبیل	۴۱۸۲۶۳	۴۴۳۰۳۴	۵۷	سقز	۱۳۳۳۳۹	۱۳۰۱۹۰
۱۸	بندرعباس	۳۷۹۳۰۱	۴۱۸۱۲۸	۵۸	شاهرود	۱۳۳۳۷۹	۱۲۷۹۱۸
۱۹	اسلامشهر	۳۵۷۳۸۹	۳۹۵۸۵۹	۵۹	شهرکرد	۱۳۱۶۱۲	۱۲۵۷۲۳
۲۰	قزوین	۳۵۵۳۳۸	۳۷۵۸۳۰	۶۰	گنبد کاووس	۱۲۹۱۶۷	۱۲۳۶۰۲
۲۱	زنجان	۳۴۹۷۱۳	۳۵۷۷۲۰	۶۱	شاهین‌شهر	۱۲۷۴۱۲	۱۲۱۵۵۲
۲۲	خرم‌آباد	۳۳۳۹۴۵	۳۴۱۶۶۵	۶۲	پاکدشت	۱۲۶۹۳۷	۱۱۹۵۶۷
۲۳	سنندج	۳۱۶۸۶۲	۳۲۶۳۵۰	۶۳	سمنان	۱۲۶۱۸۰	۱۱۷۶۴۶
۲۴	گرگان	۲۷۴۴۳۸	۳۱۲۴۹۳	۶۴	خرم‌شهر	۱۲۵۸۵۹	۱۱۵۷۸۶
۲۵	ساری	۲۶۱۲۹۳	۲۹۹۸۴۴	۶۵	مرودشت	۱۲۴۳۵۰	۱۱۳۹۸۳
۲۶	کاشان	۲۵۳۵۰۹	۲۸۱۱۷۳	۶۶	تربت حیدریه	۱۲۱۳۰۰	۱۱۲۳۳۵
۲۷	دزفول	۲۳۵۸۱۹	۲۷۳۳۷۱	۶۷	اندیشک	۱۲۰۱۷۷	۱۱۰۵۳۹
۲۸	گلستان	۲۳۱۹۰۵	۲۶۷۳۴۶	۶۸	مرند	۱۱۴۸۴۱	۱۰۸۸۹۴
۲۹	قدس	۲۳۰۱۴۷	۲۵۸۰۱۶	۶۹	میاندوآب	۱۱۴۱۵۳	۱۰۷۲۹۷
۳۰	بروجرد	۲۲۹۵۴۱	۲۴۹۳۱۲	۷۰	بندر ماهشهر	۱۱۱۴۴۸	۱۰۵۷۴۵
۳۱	ملارد	۲۲۸۷۱۳	۲۴۱۱۷۳	۷۱	بندر انزلی	۱۱۰۶۴۳	۱۰۴۳۳۱
۳۲	خمینی‌شهر	۲۲۳۰۷۳	۲۳۳۵۴۶	۷۲	شهرضا	۱۰۹۶۰۱	۱۰۳۷۷۲
۳۳	آبادان	۲۱۹۷۷۲	۲۲۶۳۸۳	۷۳	مسجد سلیمان	۱۰۸۶۸۲	۱۰۱۳۴۷
۳۴	سبزوار	۲۱۴۵۸۲	۲۱۹۶۴۵	۷۴	جهرم	۱۰۵۳۵۸	۹۹۹۶۱
۳۵	ورامین	۲۰۸۹۹۶	۲۱۳۲۹۳	۷۵	ایزه	۱۰۴۳۶۴	۹۸۶۱۲
۳۶	نیشابور	۲۰۸۸۶۰	۲۰۷۲۹۷	۷۶	قوچان	۱۰۱۳۱۳	۹۷۲۹۹
۳۷	نخج‌آباد	۲۰۸۶۴۷	۲۰۱۲۲۷	۷۷	دورود	۱۰۱۲۱۹	۹۶۰۲۰
۳۸	یابل	۲۰۱۳۳۵	۱۹۶۲۵۷	۷۸	بهبهان	۱۰۱۱۷۸	۹۴۷۷۴
۳۹	آمل	۱۹۹۶۹۸	۱۹۱۱۶۳	۷۹	ایران‌شهر	۱۰۰۶۴۲	۱۲۹۱۹۰
۴۰	شهریار	۱۸۹۴۲۱	۱۸۶۳۲۷	۸۰	یاسوج	۱۰۰۵۴۴	۹۲۳۷۶



نتیجه‌گیری

با ایجاد کارخانه‌ها، راه آهن و صنعت نفت در دوره رضاخان، شهرنشینی رونق گرفت. سیاست اصلی برنامه اول، دوم و سوم قبل از انقلاب، ایجاد قطب‌های صنعتی، علاوه بر تهران در شهرهای اصفهان، تبریز، اهواز، اراک و قزوین بود. انقلاب سفید (اصلاحات ارضی و لوايح ديگر) از رخدادهایی بود که در اواخر برنامه دوم و اوایل برنامه سوم اتفاق داد. در برنامه چهارم قطب‌های اقتصادی موجود تقویت شد و با بالا رفتن قیمت نفت در سال‌های ۱۳۵۰، پایتخت به قطب اصلی تبدیل گردید. در برنامه چهارم مهاجرت‌های روستا - شهری برای اشتغال در بنگاه‌های تولیدی و جذب نیروی کار در شهرهای قطبی، بخصوص تهران افزایش پیدا کرد. روند شهرنشینی بطئی در کشور به روند شتابان و سریع انتقال یافت و عدم تعادل بین قطب‌های رشد ایجاد شد. در برنامه پنجم به علت توسعه جمعیت شهری و پیدایش مراکز پیرامونی در اطراف تهران، توسعه اقتصادی متعادل استان‌ها و توزیع عادلانه خدمات اجتماعی و رفاهی به اجرا در آمد. قابل خرید و فروش شدن زمین بعد از انقلاب سفید، بازار داغی را برای زمین‌های اطراف شهرهای قطبی و تهران ایجاد کرد.

در سال‌های پس از پیروزی از انقلاب اسلامی، به دنبال یک وقفه طولانی در اجرای برنامه‌های توسعه، در برنامه اول جمهوری اسلامی بر ایجاد نظام سلسله مراتب شهری به نحوی تاکید شد که در آن سرعت رشد شهرهای متوسط و کوچک بیشتر از سرعت رشد

و توسعه شهرهای بزرگ باشد تا بدین ترتیب توسعه موزون مراکز جمعیت تحقق یابد. اهداف کلی برنامه اول در مورد عمران شهری عبارت بود از:

۱- ایجاد تعادل در توزیع جمعیت کشور،

۲- تمرکززدایی از تهران و بعضی شهرهای بزرگ،

۳- تامین توسعه موزون و مناسب مراکز جمعیتی.

این سیاست‌ها همراه با جنگ تحمیلی و افزایش جمعیت تعدادی از شهرها، درصد شهرنشینی را در کشور افزایش داد؛ چنانچه تعداد شهرها در سال ۱۳۵۵ از ۳۷۳ به ۴۹۶ شهر در سال ۱۳۶۵ افزایش پیدا کرد. در برنامه دوم توسعه نیز سیاست تمرکززدایی از شهر تهران و شهرهای بزرگ از طریق انتقال فعالیت‌ها و برقراری نظام سلسله مراتب شهری و جلوگیری از رشد نامتناسب شهرهای بزرگ، به ویژه تهران، با تدوین ضوابط و مقررات بازدارنده در شورای برنامه دوم توسعه تصویب نشد.

در کنار این برنامه، اجرای طرح‌های شهری (جامع، تفضیلی و هادی) از آغاز برنامه چهارم قبل از انقلاب تاکنون، برای شهرها اجرا شد. در این طرح‌ها اغلب زمین‌های زراعی، باغی، جنگل‌ها و مراتع در اطراف شهرها از بین رفت، یعنی کاربری آن‌ها به کاربری مسکونی، تجاری، صنعتی و غیره برای جمعیت شهری تغییر یافت و به این ترتیب به یکی از عوامل تمرکز جمعیت در شهرها تبدیل شد. در این طرح‌ها به مشکلات فزونی جمعیت شهر و بخصوص مسایل زیست محیطی توجه چندانی نمی‌شد.

ایجاد شهرهای جدید در اطراف شهرهای بزرگ با اهداف گوناگون در جهت حل مشکلات شهری و نارسایی‌های آن موفقیت چندانی نداشت. در نتیجه سلسله مراتب شهری و توزیع جمعیت شهری در کشور همسانی و مشابهت زیادی ندارد؛ چنانچه جمعیت شهر اول (تهران) چندین برابر شهر دوم است. همچنین تاثیر برنامه‌های توسعه بر شهرهای پیرامونی پایتخت موجب شد که میزان رشد شهری در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۵ بالا رود و شهر کرج ۳/۸۷، قدس ۵/۰۹، ملارد ۹/۵۴، خمینی شهر ۲/۹۶ و شهریار ۱۵/۵۴ درصد رشد جمعیت داشته باشد و کانون جمعیتی جدیدی به نام گلستان^{۲۰} با جمعیت ۲۳۱۹۰۵ نفر در سال ۱۳۸۵ ایجاد شود. در این دوره غیر از شهرهای استان تهران، ۲ شهر زاهدان و گرگان نیز به ترتیب ۴/۸۵ درصد و ۳/۷۵ درصد رشد داشته است.

همچنین شاخص متوسط اندازه‌ی جمعیت شهری که نوعی میانگین جمعیت است و افزایش متوسط اندازه‌ی جمعیت را نشان می‌دهد، به طور متوسط با رشد ۱/۵ درصدی در حال افزایش بوده است. بیشترین رشد آن با ۷/۴ درصد در میان سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۵۵ مشاهده شده است. شهرهای جدید هم که به منظور حل مشکلات شهرهای بزرگ طراحی و اجرا شدند، به جز شهرهای نفتی، در کمک به حل مسایل شهری موفق نبود.

به طور خلاصه تمرکزگرایی به عنوان الگوی پیشرفت و توسعه، امکانات و فرصت‌های توسعه را به خود اختصاص داده است؛ اما پس از چندی، مشکلات و عوارض سوء تمرکزگرایی در قالب مسایل شهری، مانند حاشیه‌نشینی (سکونت‌گاه‌های غیررسمی)، آلودگی آب و هوا، ترافیک، تراکم جمعیتی و ...، و در شکل منطقه‌ای و کشوری به صورت ایجاد عدم تعادل در بسیاری زمینه‌ها، گسیختگی در شبکه شهری، جذب تمامی فرصت‌ها، برهم‌زدن تعادل رشد و توسعه، در سطح کشور نمودار شد.

پیشنهاد

کشور ما نیازمند یک برنامه‌ریزی دقیق به سلسله مراتب شهری منظم با جمعیت مطلوب (متناسب)، با کم‌ترین مشکلات شهری، اجتماعی اقتصادی و فرهنگی، بخصوص در بخش عمران شهری و روستایی، با هماهنگی سایر بخش‌ها همراه با سیاست‌های جمعیتی است. با توجه به مطالب مقاله، در این خصوص پیشنهادهای ذیل توصیه می‌شود:

- ۱- ایجاد تعادل در توزیع جمعیت شهری و روستایی کشور و تدوین سیاست‌های باز توزیع جمعیت،
- ۲- تدوین برنامه‌ها و سیاست‌های جمعیتی مطلوب برای ارتقای شرایط زیستی و کیفیت زندگی مردم،
- ۳- تامین و توسعه موزون و متناسب مراکز جمعیتی و کاهش فاصله بین تهران و ۴ شهر بزرگ اول با سلسله مراتب شهری،
- ۴- بهبود اداره‌ی امور شهرها،
- ۵- بالابردن ضمانت اجرایی قوانین و مقررات شهرسازی، بخصوص در حریم شهری برای جلوگیری از پیدایش و رشد سکونت‌گاه‌های غیررسمی،

- ۶- بهبود شرایط شاخص‌های غیراقتصادی از قبیل ارتقای سطح سلامت، افزایش میزان باسوادی، دسترسی همگان بخصوص زنان به امکانات رفاه و بهزیستی به موازات رشد و رونق اقتصادی طبق الگوی توسعه انسانی پایدار،
- ۷- توسعه موزون و متناسب شهرها و برقراری نظام سلسله مراتب شهری و جلوگیری از رشد نامتناسب شهرهای بزرگ، به‌ویژه تهران، با تدوین ضوابط و مقررات بازدارنده،
- ۸- تهیه و تدوین طرح‌های توسعه کالبدی برای شهرها به نحوی که در شهرهای بزرگ اجرای این برنامه‌ها به افزایش زیاد جمعیت منجر نشود و کاربری زمین‌های زراعی، باغی، جنگل‌ها و مراتع به کاربری غیرکشاورزی تغییر نیابد،
- ۹- حفظ باغ‌ها و افزایش سرانه فضای سبز در شهرهای بزرگ،
- ۱۰- ایجاد هماهنگی و ارتباط میان برنامه‌ها و اقدامات بخش‌های مختلف در برنامه‌های توسعه.

زیرنویس‌ها

- 1- G. K. Zipf
4- Felix Auerbach
- 2- Population Analysis Spreadsheets
5- Lotka
- 3- Pareto
6- Goodrich
7- Singer
- ۸- برای آشنایی با نحوه محاسبه شاخص به مقاله چاپ‌شده نگارنده تحت عنوان «شاخص‌های توزیع جمعیت شهرها و روند شهرنشینی در ایران (۱۳۷۵-۱۳۶۵)» در مجله فضای جغرافیایی، شماره ۱۶، سال ۱۳۸۵، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی اهر مراجعه نمایید.
- ۹- برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی به طور معمول برنامه عمرانی پنج‌ساله خوانده می‌شود. در حالی که برنامه اول و دوم، برنامه‌های ۷ ساله بود که از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۴۱ را پوشش می‌داد و بقیه برنامه‌ها از سال ۱۳۴۱ به بعد ۵ ساله می‌باشد.
- ۱۰- روزنامه رسمی شماره ۱۳۸۴۹-۷۱/۷/۴ در تاریخ ۷۱/۶/۲۵ به شماره ۲۳۴۰/ت/۲۶۷ هـ. ابلاغ شده است.
- ۱۱- چون دامنه درصد شهرنشینی بین ۰ تا ۱۰۰ محدود می‌باشد و در درصدهای نزدیک به ۱۰۰ از سرعت آن کاسته می‌شود، لذا به جای درصد شهرنشینی از نسبت شهر به روستا که شاخص خوبی است، برای نشان‌دادن جمعیت شهری استفاده شده است، چرا که دامنه این شاخص از ۰ تا کل جمعیت است و محدودیت درصد شهرنشینی را ندارد.
- ۱۲- برابر جدول شماره ۲۵ سرشماری عمومی نفوس مسکن ۱۳۸۵، گزیده نتایج متوسط رشد جمعیت روستایی استان‌ها بین سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۵ با رشد منفی بوده و فقط استان‌های سیستان و بلوچستان، فارس، کرمان، کهگیلویه و بویراحمد و هرمزگان با رشد مثبت بودند.
- ۱۳- هر نقطه جمعیتی که شهرداری داشته باشد شهر محسوب می‌شود. مطابق قانون شهرداری‌ها، در هر نقطه‌ای که حداقل ۵۰۰۰ نفر جمعیت داشته باشد، شهرداری تاسیس می‌شود.
- 14- Primacy Index
۱۵- در سال ۶۵ شهرهای آبادان و خرمشهر خالی از سکنه بوده و در سال ۷۵ جمعیت مهرشهر و رجایی در شهر کرج منظور شده و جمعیت شهرهای تجریش و ری در جمعیت تهران منظور شده است.
- 16 - City Concentration Ratio
18- Index of concentration
- 17- Index of Mean City Population Size
- ۱۹- جمعیت گوهردشت در سرشماری سال ۸۵ با جمعیت کرج حساب شده است.
- ۲۰- از تبدیل چند آبادی اطراف تهران تشکیل شده است.

منابع

- ۱- آریاگا، ادواردو. روش‌های تحلیل جمعیت. ترجمه: فاروق امین مظفری. تیریز: انتشارات احرار. چاپ اول: ۱۳۷۸.
 - ۲- احمدی، حسن و دیگری. سلسله مراتب شهری مبانی نظری نظام شهری. تهران: انتشارات مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری. چاپ سوم: ۱۳۷۶.
 - ۳- معصومی اشکوری، سیدحسن، اصول و مبانی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، صومعه سران: نشر مؤلف. ۱۳۷۶.
 - ۴- امکی، حمیده. زمین شهری در برنامه‌های عمرانی پنج‌ساله کشور ۱۳۷۸-۱۳۷۷. مجله آبادی، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران. سال نهم، شماره ۳۳.
 - ۵- جوادخانی، حسین. شاخص‌های توزیع جمعیت شهرها و روند شهرنشینی در ایران (۱۳۷۵-۱۳۶۵). مجله فضای جغرافیایی، اهر: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی اهر، شماره ۱۶. ۱۳۸۵.
 - ۶- حبیبی، محسن. نقش و جایگاه مجموعه‌های زیستی پیرامون شهرهای بزرگ در نظام اسکان کشور. مجموعه مقالات سمینار جمعیت و توسعه. تهران: ۱۳۷۳.
 - ۷- حسامیان، فرخ و دیگران. شهرنشینی در ایران. تهران: انتشارات آگاه. چاپ سوم: ۱۳۷۷.
 - ۸- حکمت‌نیا، حسن و دیگری. کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای. یزد: انتشارات علم نوین. ۱۳۸۵.
 - ۹- دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران. آیین‌نامه نحوه بررسی و تصویب طرح‌های توسعه و عمران محلی، ناحیه‌ای منطقه‌ای و ملی و مقررات شهرسازی و معماری کشور. تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی و هنری نمین. ۱۳۷۹.
 - ۱۰- دفتر اقتصاد کلان. سابقه برنامه‌ریزی در ایران. تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه. ۱۳۷۷.
 - ۱۱- زنجانی، حبیب‌الله. مجموعه مقالات جمعیت و توسعه. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری. ۱۳۷۱.
 - ۱۲- زنجانی، حبیب‌الله و دیگران. راهنمای جمعیت شهرهای ایران. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری. چاپ دوم: ۱۳۸۲.
 - ۱۳- زیاری، کرامت‌الله. برنامه‌ریزی شهرهای جدید. تهران: انتشارات سمت. چاپ دوم: ۱۳۷۹.
 - ۱۴- اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای. یزد: انتشارات دانشگاه یزد. ۱۳۷۸.
 - ۱۵- سازمان برنامه و بودجه. مستندات برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۷-۱۳۷۲. تهران: سازمان برنامه و بودجه. ۱۳۷۲.
 - ۱۶- علیزاده آهی، زرین‌تاج. تحولات جمعیتی و الگوی سلسله مراتب شهری. مجموعه مقالات سمینار جمعیتی ایران. شیراز: انتشارات مرکز جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز. جلد دوم. ۱۳۷۲.
 - ۱۷- مرکز آمار ایران. سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۵۵ و نتایج تفصیلی کل کشور. تهران: دفتر انتشارات و اطلاع‌رسانی.
 - ۱۸- مرکز آمار ایران. سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵. گزیده نتایج. تهران: مرکز آمار ایران. ۱۳۸۶.
 - ۱۹- شهیدزاده دهقانی، ناصر. تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران. چاپ دوم: ۱۳۷۴.
 - ۲۰- نوراللهی، طه. توزیع و طبقه جمعیت شهرهای ایران در سرشماری‌های ۱۳۷۵-۱۳۳۵. تهران: مدیریت انتشارات و اطلاع‌رسانی مرکز آمار ایران. ۱۳۸۲.
- 21- Arriaga, Eduardo; Selected measures of urbanization, in The Measurement of Urbanization and Projection of Urban Population, edited by s. Goldstein and D. sly, International Population Union for the Scientific study of Population, ordina Editions. Liege. 1973.
 - 22- Aplicaciones del indice de concentracion de Gini en el analisis de distribucion de ciudades, Notas de Poblacion, CELADE, Year 5, no.14, pp.13- 24. 1977.
 - 23- Population Analysis with Microcomputer (PAS), U.S.Bureua Census, Washington. Vol II. 1944.
 - 24- "Distribution, Concentration, and Dispersion", International Encyclopedia of Population, edited by John Ross, The Free Press. Vol.I, pp.150 -155. 1982.
 - 25- Carter, Harold; The Study of Urban Geography, Routledge, New York. 1981.
 - 26- Davis, Kingsley; Las causasy efectos del fenomeno de primacia urbana con referencia especial a America Latina, Instituto de Investigaciones Sociales, Mexico City. 1962.
 - 27- Zipf, George; Human Behavior and the Principle of Least Effort: An Introduction to Human Ecology, Addison - Wesly. Cambridge. 1949.
 - 28- Carter, Harold; The study of urban Geography, Routledge, New York. 1981.